

دوره آموزشی:

حقوق شهروندان در سازمان

منطقه: ۸ شهرداری تهران

مدرس: دکتر فاطمه خادم لو

آدرس کانال: @fatemehkhademloo

تاریخچه بحث شهروندی

یونان باستان و حق شهروندی:

مفهوم شهروند برای نخستین بار در دموکراسی آتن شکل گرفت. از نظر آتنی ها شهروند کسی بود که به امور سیاسی دویت شهر اهمیت بدهد و خودش را در مقابل آن مسئول بداند. البته از نظر آتنی ها، فقط مردان بالغ بالای ۱۸ سال شهروند محسوب می شدند. زنان، بردگان، خارجیان و افراد زیر ۱۸ سال شهروند نبودند.

روم باستان و حق شهروندی:

در روم باستان نیز وضعیت مانند یونان باستان بود. بعد از مدتی هم که حق شهروندی به همه سکنه آزاد امپراطوری داده شد، ولی درجات شهروندی یکسان نبود و شهروندان به درجات متعدد رعایا - تبعه و شهروند تقسیم شدند.

حکومت اسلامی و حق شهروندی:

در حکومت اسلامی، در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس نیز موالیان، یعنی بردگان تحت ولایت، از بسیاری حقوقی که آزادگان داشتند محروم بودند.

با فرارسیدن قرون وسطا، مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی بسیار کم رنگ شد، ولی با گذار از قرون وسطا، شکل‌گیری رنسانس، جدایی دولت و کلیسا و تنزل قدرت شاهزاده‌ای، تکامل دولت شهرها و ایجاد نظام‌های پارلمانی نقطه‌ی آغازی برای طرح دوباره‌ی مفهوم شهروندی است.

فارابی و حق شهروندی

فارابی در قرن سوم هجری معادل قرن نهم میلادی در کتاب «آراء مدینه فاضله» به بحث شهروندی اشاره می نماید. فارابی در آن کتاب یه شهری می اندیشد که در آن اقوام و ادیان و سیرت های متنوع در حال تلاش و تعالی هستند. و هر گروه یا ملت متفاوت و پیرو مذاهب گوناگون راه سعادت یگانه ای را دنبال می کنند.

با توجه به مطالب، از دیدگاه فارابی ردپای حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی مشاهده می‌گردد. از نظر فارابی رسیدن به سعادت در آدمی از طریق ضرورت اجتماعی شدن و مشارکت افراد در شهرها به وجود می‌آید. از این جهت شالوده بحث اجتماع فارابی را تعاون و همکاری میان افراد برای رسیدن به یک هدف واحد تشکیل می‌دهد. فارابی برای دست یافتن به این مهم، آموزش را به عنوان راه کار رسیدن به مدینه فاضله پیشنهاد می‌نماید.

مفهوم رعایا / تابعیت / شهروندی

در حقیقت در پرتو نگاه جدید به مفهوم حاکمیت،
"رعایا" به مقام "شهروندی" ارتقاء پیدا کرده اند و
در کنار تعهدات و وظایف از حقوق اجتماعی قابل
حمایت نیز بهره مند می شود.

شهروندی به یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گستره
دلالت دارد. ویژگی کلیدی کلمه "شهروندی" که آن را از
"تابعیت" صرف متمایز می کند؛ وجود کارگذاری، فاعلیت و
اخلاق مشارکت می باشد. شهروندی موقعیتی است که فرد با
برخورداری از آن می تواند در یک جامعه سیاسی، اخلاقی شده و
زندگی خود را براساس وابستگی های متقابل و براساس موازین
و تعادل حقوق و مسؤلیتهای اجتماعی ساماندهی کند. شأن
شهروندی و حقوق و تکالیف مربوط بدان از مفاهیم اساسی
زندگی دموکراتیک به شمار می رود. شهروندان از حیث حقوق و
تکالیف با هم برابرند.

سیر دستیابی به مفهوم شهروندی:

- ۱- رعیت بودن
- ۲- تابعیت دادن
- ۳- شهروندی شدن

معنادار بودن افعال بودن - دادن - شدن

واژه و مفهوم شهروند همزمان با شروع انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ با پیدایش فکر ملت و اصل حاکمیت ملی شناخته و پذیرفته شد. زیرا طی قرن ۱۷ و ۱۸ فلاسفه و دانشمندانی مثل جان لاک و ژان ژاک روسو توجه زیادی به حقوق طبیعی از خود نشان دادند، این مفهوم در انقلاب فرانسه به نهایت شکوفایی خود رسید و در اعلامیه حقوق انسان و شهروندی در سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت.

پایه‌های نظری و مفهوم شهروندی

ضرورت دست یابی به مفهوم شهروندی:

۱- نظریات کلاسیک: معتقدند مفهوم خیر عمومی به طور اساسی مقدم بر برداشت افراد از امیال و منافع خودشان است و شهروندی نیز اساساً "به معنی توانایی برای تشخیص و رعایت خیر همگانی است. مانند هواداران اصالت جماعت و ...

۲- نظریات مدرن: معتقدند جامعه دموکراتیک مدرن را نمی‌توان بر پایه برداشت واحدی از خیر و صلاح عمومی سامان داد. چنین برداشتی با مفهوم "فرد" در اندیشه دموکراتیک اساساً مغایرت دارد. از این رو مفهوم شهروندی به معنای کلاسیک با مفهوم فردیت تعارض پیدا می‌کند.

مفهوم شهروندی

مبنای حقوق شهروندی آن است که هر فرد انسانی به حکم انسان بودنش، در جامعه دارای یک سلسله حقوق، توانایی و مزایایی است که به عقیده بسیاری از حقوقدانان، این حقوق طبیعی و غیراقتسابی است. حتی برخی از این حقوق از دوران جنینی به انسان تعلق می‌گیرد و تا پایان عمر همراه انسان است و هیچ مقامی حق ندارد آن را از انسان سلب نماید. مانند حق حیات. این نوع حقوق به حقوق طبیعی معروف اند.

با این نگاه حقوق اساسی کشورها از دو بعد قابل تشخیص است.

۱- حقوقی که ناشی از حقوق بشر در شکل مطلق آن هستند. مثل حق حیات

۲- حقوقی که منبعت از حقوق بشر در شکل نسبی آن است که شکلی ملی به خود گرفته اند و رنگ و بوی ملی دارند. مانند حق برابری انسان ها مشارکت سیاسی تحت عنوان حق رأی.

حق / وظیفه

تعریف متعارف و نسبتاً جامع از شهروندی:

مفهومی به هم پیوسته از حقوق و وظایف مدنی -

سیاسی و اجتماعی است که به مثابه نوعی پایگاه، شأن

و عضویت اجتماعی به تمامی افراد جامعه اعطا شده

است و فارغ از تعلقات مذهبی، نژادی، قومی، مذهبی و

اقتصادی، همگان را یکسان و برابر فرض گرفته و آن ها

را مسئول و مکلف و موظف به مشارکت در جامعه ای که

در آن زندگی می کنند، محسوب می نماید.

در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسؤلیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده‌ی مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسؤلیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود.

مفهوم شهرنشین / شهروند

آیا تنها ساکن بودن به مدت مشخص در یک شهر موجب می شود که فرد شهروند نامیده شود؟

- شهروند در معنای حقوقی
- شهروند در معنای اجتماعی و انسانی

تعریف شهرنشین:

به کسی اطلاق می‌گردد که در مرزهای جغرافیایی ساکن است که به لحاظ جمعیت شناختی و معماری تعریف شهر را در بر می‌گیرد و به عبارتی فردی که از جهت کالبدی در منطقه‌ای سکونت دارد که مظاهر شهری دارد و از جهت مشارکت و رعایت اصول غیراجباری محل زندگی تعهدی را نسبت جغرافیای محل سکونت احساس نمی‌کند یا بی‌اعتنا است.

– محدود کردن شهروند به پیرو و همراه بی
شباهت با نگاه شهرنشینان متوقع به سیستم
نیست.

– نگاه شهرنشین متوقع دریافت خدمات؛ نگاه
سیستم متوقع تربیت شهرنشین تابع و همراه.

شهروند (Citizen) کیست؟

شهروندی مقوله ای است که با مفهوم فرهنگ هر جامعه گره خورده و از آنجا که فرهنگ هر مرز و بوم ناشی از سه قلمرو اساسی فعالیتهای اجتماعی، فضای سیاسی و وضعیت اقتصادی آن جامعه است فرهنگ هر جامعه ای کاملاً منحصر به فرد و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می طلبد.

در تعریف شهروند می توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می شناسد و از آنها دفاع می کند قانون را می شناسد و به آن عمل می کند و از طریق آن مطالبه می کند، از حقوق معینی برخوردار است؛ می داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد.

پس شهروندی نه تنها به معنای سکونت در یک شهر
به مدت مشخص که به معنای مجموعه ای از آگاهی
های حقوقی فردی و اجتماعی است. در یک جامعه مدنی
حقوق یک فرد عبارتند از: حقوق اساسی به معنای حقوق
بنیادی شهروندان یک جامعه، حقوق سیاسی به معنای
حق مشارکت در فرآیندهای سیاسی، حقوق اجتماعی که
در برگیرنده حقوق اقتصادی و نیز حداقل استانداردهای
زندگی در تسهیلات اجتماعی است.

مراحل تربیت شهروند اجتماعی:

- آگاه سازی از وضعیت موجود

- ایجاد احساس مسوول بودن

- خلاق بودن، پرسشگر تربیت کردن و روحیه ی
بازاندیشانه داشتن.

تعریف شهروند با مقدمات بیان شده:

شهروند انسانی است که با تمام توانایی ها و توانش هایش در جامعه ی رسانه‌ای شده، شهری شده و آکادمیک شده بتواند خلاق، مسوول، آگاه، پرسشگر و با مهارت‌های اجتماعی بار بیاید.

شهروندی در ایران:

شهروندی یک مفهوم حقوقی - جامعه‌شناختی و مرتبه‌ای فراتر از شهرنشینی است به گونه‌ای که ممکن است در جامعه‌ای همه روستائینان «شهروند» باشند و در جامعه دیگری هیچ‌یک از شهرنشینان شهروند نباشند.
ما در ایران شهرنشین داریم تا شهروند.

یعنی شهروند کسی است که از گفتمان ساخت
و ساز، مالی و اقتصادی به گفتمان فرهنگی و
اجتماعی طی مسیر می کند.

شهروند موثر کیست؟

(۱) از حوادث و مشکلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد.

(۲) در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی مشارکت فعال داشته باشد.

(۳) در قبال وظایف و نقش های تفویض شده مسوولیت پذیر باشد.

(۴) نگران و دلمشغول رفاه و آسایش دیگران باشد.

(۵) رفتار و عملکرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد.

۶) نسبت به قدرت افرادی که دارای موقعیت مدیریتی و نظارتی هستند پذیرش داشته باشند.
۷) توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را دارا باشد.

۸) توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد.
۹) درباره حکومت و دولت خود آگاهی و دانش کافی داشته باشد.

۱۰) دارای حس وطن پرستی باشد.

۱۱) نسبت به مسوولیت های خاص پذیرش و
مسوولیت داشته باشد.

۱۲) از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن آگاهی
داشته باشد.

۱۳) به وجود تکثر و تنوع در جامعه احترام قائل
باشد.

انواع حقوق شهروندی

به طور خلاصه حقوق شهروندی به انواع زیر قابل تقسیم است.

الف: حقوق مدنی: این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس غیرقانونی یا کار اجباری.

ب - حقوق سیاسی

حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در بر می گیرد.

حق رأی و امکان تصدی مسؤولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت های سیاسی.

ج - حقوق اقتصادی - اجتماعی

حقوق اقتصادی - اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه‌ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، موارد زیر را در بر می‌گیرد: حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی - بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی.

د - حقوق فرهنگی

حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها، حق دست یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین المللی، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش از مهم ترین حقوق فرهنگی است (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ۷۰-۵۶).

هـ - حقوق قضایی

بهره مندی از اصل برائت، حق دفاع، دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله ی قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی، حق انتخاب وکیل از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می گردد.

منابع:

- ۱- شهروندی - کیث فالکس ترجمه محمدتقی دلفروز.
- ۲- جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت - سید محمود نجاتی - فصلنامه مدیریت شهری - سال ۳ - شماره ۵.
- ۳- رویکردهای نوین شهروندمداری - کیث فالکس - ترجمه محمدحسن امامی.
- ۴- حقوق شهروندی - کیث فالکس - ترجمه عبدالعزیز ویسی.
- ۵- حقوق شهروندی - علی اکبر پیرهادی.

حقوق شهروندان در حقوق اساسی ایران

یکی از مباحث مهم حقوق اساسی، بحث حقوق شهروندان است که در آن مجموعه حقوقی که ملت به معنای اعم آن (خارجی و تبعه) داراست و دولت پاسدار آن است، صحبت می شود. این حقوق در ایران شامل ۱۶ حق می باشد که در ادامه به آن ها اشاره هایی می رود.

۱- حق اعمال اراده و اختیار در پذیرش حکومت و تعیین سرنوشت

در حقوق اساسی ایران به تصریح در اصل ششم قانون اساسی، امور کشور باید از طریق مراجعه به آرای عمومی اداره شود و این اراده «... از راه انتخابات، انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر آنها همه از راه همه پرسی...» اعمال می شود.

۲- مساوات در برخورداری از حقوق

اصل نوزدهم: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

نکته: منظور از مردم کلیه افرادی هستند که تابعیت ایران را دارا هستند؛ پس دامنه شمول آن به خارجیان ساکن نیز تسری می یابد.

۳- حق مساوات در حمایت شدن از طرف قانون

اصل بیستم: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

نکته: منظور از ملت کلیه افراد ایرانی هستند چرا که خارجیان از بعضی حقوق مانند حق رأی دادن محروم اند.

۴- حق امنیت

اصل بیست و دوم: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۵- حق اشتغال و کار کردن

اصل بیست و هفتم: «دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد، امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند.» بر این اساس اصولاً بیکار ماندن و نبودن فرصت کاری، برخلاف اصل یاد شده می باشد.

۶- حق برخورداری از تأمین اجتماعی و بیمه

اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی...» یعنی هم شامل عموم مردم و هم خارجیانی که در کشور ما زندگی می کنند. دولت مکلف است از محل درآمدهای عمومی و ... این امر را متعهد شود.

۷- حق برخورداری از آموزش رایگان

اصل سی ام: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

نکته: به نظر می رسد این حق، خاص شهروندان تابع ایران باشد. چرا که واژه ی «همه ملت» که شامل اتباع ایرانی نمی شود؛ استفاده شده است.

۸- حق برخورداری از مسکن و سرپناه

اصل سی و سوم: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند، بخصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

۹- حق دادخواهی

اصل سی و چهارم: دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه ها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

نکته: در این زمینه حتی خارجیان نیز حق متساوی با ایرانیان دارند.

۱۰- حق انتخاب وکیل

اصل سی و پنجم: در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

۱۱- حق آزاد بودن

اصل سی و دوم: هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

۱۲- حق بی گناهی

اصل سی و هفتم: اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۱۳- احترام، آبرو و حیثیت شهروندان

اصل سی و نهم: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

پس اگر مقامی نسبت به افراد شهروند جامعه، ولو مجرم نیز باشد، هتک حرمت و حیثیت نماید، متخلف بوده و قابل مجازات است.

۱۴- حق تابعیت ایران

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم: اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

۱۵- حق مالکیت

اصل چهل و ششم: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است...» و طبق اصل چهل و هفتم: «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است، ضوابط آن را قانون معین می کند.»

۱۵- حق شکایت از دولت

اصل نود: هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند...
اصل یک صد و هفتاد: چنانچه تصویب نامه یا آیین نامه‌ای یا تصمیمات دولت یا مامورین دولتی، مخالف قانون و حقوق مردم باشد، هر کس حق دارد ابطال این عمل را از دیوان عدالت اداری که نهادی قضایی و تحت نظر قوه قضائیه است، مطالبه کند.

تکالیف شهروندی در ایران

دلایل تکالیف شهروندی:

۱- به خاطر وجود رابطه دوطرفه اش با دولت علاوه بر حقوق، در قبال حقوق شهروندی، می بایست تعهداتی را نیز تقبل کند.

۲- تکالیف لازمه زندگی اجتماعی و مقتضای مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت و اداره امور جمعی هستند.

۳- برای تحقق شهروندی کارآمد و تأثیرگذار، حق ها و تکالیف باید با هم ترکیب شوند.

دو نوع دسته بندی برای تعهدات
شهروندی وجود دارد.

دسته بندی تعهدات شهروندان براساس تکالیف:

۱- تکالیف فردی: مسئولیت های فردی، به صورت انفرادی نیز قابل اعمال است و لزوماً نیازی به حضور تعداد افراد ندارد؛ مانند انجام خدمت سربازی، احترام به قانون و حقوق دیگران، پرداخت مالیات و غیره.

۲- تکالیف اجتماعی: مسئولیت های اجتماعی شامل مشارکت در امور مدنی و اجتماعی است که انجام آن لزوماً برعهده تعدادی افراد قرار دارد و به صورت فردی انجام پذیر نیستند. همانند حضور و عضویت در سازمان ها و کمیته های محلی گوناگون.

دسته بندی تعهدات شهروندان براساس مخاطبان:

۱- مخاطبان عام: اول تکالیفی که مخاطب آن عموم شهروندان است مانند احترام به قوانین و مقررات و یا حفظ محیط زیست؛

۲- مخاطبان خاص: دوم تکالیفی که مخاطب خاص دارند مانند انجام خدمت وظیفه برای مردان.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تکالیف شهروندی:

۱- پذیرش حکومت اسلامی:

در هر کشوری لاجرم باید حکومتی وجود داشته باشد. به موجب اصل اول قانون اساسی، حکومتی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است، جمهوری اسلامی است. یعنی حکومت مبتنی بر اسلام که به خواست اکثریت مردم تأسیس شده است. لذا شهروندان باید به حکومتی که مورد تأیید اکثریت بوده، لذا باید شهروندان مطیع حکومت و نظم موجود در آن باشند.

۲- احترام به قوانین و مقررات:

قانون به قاعده ای اطلاق می شود که توسط مقام صلاحیت دار، وضع و ابلاغ شود و وجود قواعد مبتنی بر مصلحت همه افراد جامعه باشد و مقررات که حدود وظایف، تکالیف و حقوق افراد را معین کند، برای تأمین سعادت انسان ها و تعدیل تمایلات آنان و تعیین راه و رسم زندگی در اجتماع ضروری است. در عمل، حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رئیس جمهور و چه یک فرد عادی از قانون بالاتر نیست و ملزم به رعایت قوانین مقررات می باشد.

۳- حفظ آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی:

آزادی یکی از اساسی ترین نیازهای فطری بشر است. حفظ آزادی شهروندان علاوه بر این که یکی از مهم ترین وظایف حاکمیت است، بدون همکاری شهروندان محقق نخواهد شد. یعنی این تنها دولت نیست که ممکن است با سوءاستفاده از قدرت آزادی های اساسی شهروندان را تهدید کند؛ بلکه خود شهروندان نیز می توانند عاملی برای از بین بردن آزادی یکدیگر باشند؛ لذا به حکم اصل نهم کسی حق سلب آن ها را نخواهد داشت.

۴- منع تجاوز به منافع عمومی و اضرار به حقوق دیگران:
هر شهروندی در جامعه از حقوقی برخوردار است. اما در مقام عمل ممکن است بین حقوق افراد با یکدیگر تزاخم ایجاد شود. لذا انسان ها نمی توانند آزادی مطلق داشته باشند؛ زیرا آزادی بی حد و مرز یک فرد به پایمال شدن آزادی افراد دیگر اجتماع می انجامد و اعمال حق فردی منجر به ضرر به دیگری خواهد شد و بنای اجتماع برهم خورده و امنیت زیر سؤال می رود. بر همین اساس در تعریف آزادی به مفهوم غربی عده ای از جمله جان استوارت میل عقیده دارند، محدوده آزادی هر فرد آزادی دیگران است و هر کس تا آنجا آزاد است که به افراد دیگر و جامعه صدمه نزند. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر همین امر اشاره دارد.

۵- حفظ محیط زیست:

محیط زیست به عنوان یک سرمایه ملی و ذخیره چندهزار ساله در اختیار انسان ها قرار می گیرد لذا همه شهروندان باید نسبت به طبیعت و محیط زیست احساس مسئولیت داشته باشند و با رعایت و احترام به قوانین و مقررات مرتبط با محیط زیست، در جهت حفظ و نگهداری هر چه بهتر آن مشارکت کنند. توجه خاص به حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن، یکی از ویژگی های توسعه پایدار است.

۶- پرداخت مالیات و عوارض و سایر تکالیف مالی:

یکی از مهم ترین درآمدها در جوامع پیشرفته، درآمدهای

مالیاتی است. مالیات به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی در

واقع بار مالی است که بر شهروندان بار شده و هر شهروندی

مکلف است در برابر عنوان شهروندی، آن را پرداخت نماید.

علاوه بر مالیات، عوارض مبلغی است که دولت به اجبار در

قبال انجام خدمتی عمومی و بدون تناسب با قیمت آن از

استفاده کنندگان آن دریافت می کند مانند عوارض عبور از

بزرگراه ها. لذا پرداخت عوارض در برابر استفاده از خدمت

عمومی بر هر شهروند لازم است.

۷- انجام خدمت وظیفه برای مردان:

در برخی کشورها جوانان ذکور در سن خاصی موظف به طی دوره خدمت ضرورت یا همان سربازی هستند که در آن پس از آموزش یافتن در امور نظامی در بخش‌هایی از امور نیروهای مسلح یا سایر بخش‌های مورد نیاز کشور مانند دستگاه‌های اداری یا مراکز. البته این در همه جا یکسان نیست کشورها، مردانی که به سن خاصی مثلاً هجده سال می‌رسند به خدمت سربازی اعزام می‌شوند اما در برخی دیگر از کشورها مانند کوبا زنان نیز به خدمت سربازی فراخوانده می‌شوند و این دوره وظیفه برای همه اجباری است. در تعدادی از کشورهای جهان مانند آرژانتین خدمت سربازی به صورت اجباری نیست بنابراین جزء وظایف اصلی شهروندان یکی از مهم‌ترین نیازهای کشور برای لزوم آن کشور نمی‌باشد.

۱- شرکت در تعیین سرنوشت:

یکی از حقوق ملت، حق مشارکت در امور سیاسی و عمومی کشور و اداره برخی از امور عمومی است که شهروندان باید از این حق خود بهره ببرند. نمود بارز اعمال چنین حقی در انتخابات و رأی گیری تبلور پیدا می کند. حق رأی در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله حقوق مسلم هر شهروند محسوب می گردد.

۹- امر به معروف و نهی از منکر:

یکی از مواردی که در اسلام برای همه مردم تکلیف دانسته شده، امر به معروف و نهی از منکر در نظام اسلامی، نیرومندترین اهرم کنترل قدرت و حفظ نظام، نظارت عمومی است که برعهده عموم مردم نهاده شده است. یکی از راه های اعمال این اصل می تواند استفاده از ظرفیت اصل ۳۱ قانون اساسی و اطلاع یا شکایت به مجلس شورای اسلامی باشد.

۱۰- استفاده از زبان فارسی در مکاتبات رسمی و آموزش زبان عربی:

زبان یکی از مؤلفه های مهم فرهنگی هر کشور و از عوامل وحدت ملی یا محلی می باشد. در هر کشوری معمولاً یک یا چند زبان را به عنوان زبان رسمی مشخص می کنند تا مکاتبات اداری و رسمی دستگاه های دولتی و مردم به وسیله آن ها انجام شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به اینکه زبان اکثر مردم ایران فارسی است، بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی زبان فارسی به عنوان زبان رسمی معرفی شده است. و اشعار می دارد: «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. لذا

و اشعار می دارد: «اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب
درسی باید با این زبان و خط باشد. لذا همه شهروندان در
مکاتبات رسمی شان مانند دادخواست حقوقی باید از زبان
فارسی استفاده کنند. این موضوع در قوانین آیین دادرسی نیز
تصریح شده است.

۱۱- منع تصدی بیش از یک شغل دولتی:

بند ب ماده ۶۲ قانون مدیریت خدمات کشوری بر این امر تصریح دارد و شرایط عمومی استخدام در دستگاه های اجرایی را عبارت از «داشتن تابعیت ایران» اعلام می کند. در حقوق اداری برای به کارگیری هر فردی یک شغل یا پست سازمانی در نظر می گیرند. حال اگر یک فرد چندین پست یا شغل را بر عهده داشته باشد هم ممکن است نتواند وظایف مربوط به هر کدام را به درستی انجام دهد و هم اینکه این امکان اشتغال را از دیگر شهروندان سلب می کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل یکصد و چهل و یکم به این امر اشاره شده است.

از حوصله و توجه شما صمیمانه
سپاسگزارم.

پایان